دورۂ علوم ومعارف اسلام
۲

هُو العلیم

امام شناسی

جلد دوّم

(تفسیر آیۂ اولی الأمر۔ وصایتِ امیرالمؤمنین علیہ السّلام)

تألیف

حضرت علّامہ آیۃ اللہ حاج سیّد محمّد حسین حسینی طہرانی

قدّس اللہ نفسہ الزکیّۃ

هو العزیز

إمام شناسی

بحث های تفسیری فلسفی روائی تاریخی اجتماعی

در بارهٔ امامت و ولایت بطور کلّی ؛ و در بارهٔ امامت

و ولایت أمیرالمؤمنین علیّ بن أبیطالب و أئمّهٔ معصومین سلام الله

علیهم اجمعین

بالخصوص

درسهای استدلالی علمی متّخذ از قرآن کریم و روایات

وارده از خاصّه و عامّه ؛ و ابحاث حلّی و نقدی

در پیرامون ولایت

لمؤلّفه الحقیر

سیّد محمّد حسین حسینی طهرانی

عفی عنه

هو العزیز

إمام شناسی

جلد دوّم

شامل مجالس روز پانزدهم ماه مبارک رمضان تا آخر ماه سنهٔ یکهزار و سیصد و نود و دو هجریّهٔ قمریّه

تفسیر مفصّل آیهٔ أَطِیعُوا اللَهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ و بیان تمام وصایت و تمام اخوّت حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام

دیگـر سلسـله احـادیثی اسـت از رسـول خـدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله کـه در آنـها حضـرت امیرالمؤمنین علی بـن ابی طـالب را بـه لقـب خـاتم الأوصیـاء و خـاتم الوصیّیـن و سیّدالأوصیاء و سیّدالوصیّین و افضل الأوصیاء نام برده است.

از جملـه همـان حدیثی است کـه از «غایـة المـرام» ص ٦١٩ حکـایت نمودیـم که حموینی با اسناد خـود از جابر بـن عبداللـه انصاری روایـت می‌کنـد کـه: روزی بـا رسول خدا در بعـض از باغـهای مدینـه می‌رفتیـم تـا آنجـا کـه گویـد: چـون بـه درخـت خرمـائی رسـیدیم فریـاد بـرآورد: **هَـذا مُحَمَّـدٌ سَـیِّدُ اْلاَنْبیـاءِ، وَ هَـذا عَلِـیٌّ سَـیّدُ اْلاَوْصِیـاءِ وَ اَبُو اْلائِمَّةِ الطّاهِرینَ.**

«این است محمّد سیّد و سالار پیمبران، و ایـن اسـت علـیّ سـیّد و سـالار اوصیـای پیمبران و پدر أئمّهٔ طاهرین».

و نـیز در روایـات کثـیری کـه بـه حدیـث اَنَـس مشـهور اسـت ذکـر کردیـم کـه رسول خدا به انس فرمـود: **اَوَّلُ مَـنْ یَدْخُـلُ عَلَیْـکَ مِـنْ هَـذَا الْبـاب اَمـیرُ الْمُؤْمِنیـنَ وَ سَـیِّدُ الْمُسْلِمینَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ وَ خَاتَم الْوَصیِیّنَ.**

«ای انـس اوّلیـن کسـی کـه از ایـن در بـر تـو وارد شـود، اوسـت حکمـران و فرمـانروای مؤمنـان و سـالار مسـلمانان و رهـبر و پیشـوای درخشـان دسـت و پاهـا و چهرگان ، و خاتم اوصیای پیمبران».

و نـیز از «غایـة المـرام» ص ٦٢١ حدیـث ٢٣ نقـل کردیـم کـه ابـن شـاذان از طریـق عامّـه از حضـرت رضـا از پدرانـش از رسـول خـدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله روایـت می‌کنـد و در ضمن آن از رسول خدا سئوال شد: **وَ مَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَی؟ قالَ: وِلاَیَةُ سَـیِّدَ الْوَصییّـنَ.** قیـلَ: **یـا رَسُولَ اللـهِ وَ مَنْ سَیِّدَ الْوَصییّنَ؟ قالَ: اَمیرالْمُؤْمنینَ...اَخی عَلِیٌّ بْنُ اَبی طالِب.**

«ای رسـول خـدا دسـتاویز محکـم خـدا چیسـت؟ حضـرت فرمودنـد: ولایـت سالار اوصیای پیمبران. عرض شـد: ای رسـول خـدا سـیّد و سـالار اوصیـاء کـدام اسـت؟ فرمود: امیرالمؤمنین...برادر من علیّ بن ابی طالب.

و نـیز ضمـن حدیـث مُناشـده کـه امـیرالمؤمنین در زمـان عثمـان در مسـجد رسول خـدا نمودنـد، در کتـاب «علـیٌّ و الوصیّـة» از حمویـنی در «فرائـد السـمطین» بـا اسناد خود از سلیم بن قیـس هلالـی روایـت می‌کنـد کـه امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمـود: کـه رسول خـدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله فـرمود: **اَنَا اَفْضَـلُ اَنْبیاءِ اللـهِ وَرُسُـلِهِ،وَعَلـیٌّ بْنُ اَبـی طالِـب وَصیّـی اَفْضَـلُ**

اَلاَوصِیاءِ.

«من با فضیلت‌ترین پیامبران خدا و فرستادگان خدا هستم و علیّ بن ابی طالب وصیّ من با فضیلت‌ترین اوصیای پیامبران است».

و نیز مناوی عبد الرّؤف ابن تاج العارفین در کتاب خود «کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق» که در سنه ۱۳۲۱ در مصر طبع شده و در حاشیه «جامع الصّغیر» سیوطی می‌باشد در ج ۱ ص ۷۱ حدیثی را از دیلمی صاحب کتاب «فردوس الاخبار» در حرف اَلِف با اسناد خود از ابی ذرّ غفاری رحمة الله علیه آورده است که **قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ یُخاطِبُ اَمیرَالْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنِ اَبی طالِبٍ علیه السلام : اَنَا خاتَمُ اْلاَنْبِیاءِ وَ اَنْتَ یا عَلِیُّ خاتَمُ اْلاَوْصِیاءِ.**

«ابوذر گوید که: رسول خدا در حالی که امیرالمؤمنین علیّ بن ـ ابی طالب علیه السلام را مُخاطب قرار داده بود می‌فرمود: من خاتم پیامبران هستم و تو ای علی خاتم اَوصیای پیامبران می‌باشی».

این حدیث شریف را شیخ سلیمان قندوزی حنفی در «ینابیع المودّة» ص ۷۹ با لفظ دیگری از حموینی در «فرائد السمطین» روایت کرده است **قالَ اَبُوذَرّ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله : اَنَا خاتَمُ النَّبِیّینَ، وَ اَنْتَ یا عَلِیُّ خاتَمُ الْوَصیّینَ اِلَی یَوْمِ الدِّین.**

و نیز قندوزی در «ینابیع المودة» ص ۸۰ از «مناقب» از حضرت جعفر بن محمّدالصادق از پدرانش علیهم السلام روایت نموده است که **قالَ: کانَ عَلیٌّ علیه السلام یَرَی مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله قَبْلَ الرِّسالَةِ الضَّوْءَ وَ یَسْمَعُ الصَّوْتَ، وَ قالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ : لَولاَ اَنّی خاتَمُ اْلاَنْبیاءِ لَکُنْتَ شَریکاً فِی النُّبُوَّةِ، فَاِنْ لَمْ تَکُنْ نَبِیّاً فَاِنَّکَ وَصِیُّ نَبِیٍّ وَ وارِثُهُ، بَلْ اَنْتَ سَیِّدُ اْلاَوْصِیاءِ وَ اِمامُ اْلاَتْقِیاءِ.**

«فرمود که: حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السلام قبل از رسالت رسول خدا نور عوالم معنی را می‌دید، و صدای فرشتگان را می‌شنید، و رسول خدا به او فرمود: اگر من خاتم پیغمبران نبودم هر آینه تو با من در نبوّت شریک بودی، بنابراین گرچه بدین جهت پیغمبر نیستی لکن وصیّ پیغمبر و وارث پیغمبر هستی، بلکه تو سیّد و سالار اوصیای پیامبران و پیشوای متقیان می‌باشی».

و نیز حموینی در «فرائد السمطین» در آخر جزء دوم چون احوال حضرت مهدی قائم آل محمد را ذکر می‌کند می‌گوید: **عَنْ اَبی مُعاوِیَةَ عَنِ اْلاَعْمَشِ عَنْ عَبایَةَ**